

با سلام

پریدن از ذهن:

از خود انتظار نداشته‌ام ولی دروغ گفتم! نمی‌دانم چطور؟! انگار آن زمان اختیارم با من ذهنی بود!
در اثر کار روی خود و جریان خرد زندگی در درون و بیرون پارک ذهنی معنوی زیبایی برای خود درست کرده بودم که زندگی آنرا بهم ریخت.

با خود گفتم: «به دو روش من ذهنی‌ام را کوچک کنم. اول اینکه پیش کسی که دروغ گفتم به دروغم اعتراف کنم و اقدام دیگرم برای کوچک کردن من ذهنی‌ام این باشد که اگر دیگران از اوضاع بیرونی و پارک ذهنی‌ام بپرسند، به همه بگویم: «پارک ذهنی‌ام بهم ریخته!» و به این وسیله من ذهنی معنوی‌ام را کوچک کنم». و در اجرای این دو تصمیم جدی بودم که در برنامه ۹۳۰ این جمله آقای شهبازی من را به تأمل واداشت: «هر گونه فعالیت برای آزادی از من ذهنی که از طریق سبب‌سازی‌های ذهن صورت گیرد، سبب قوی شدن من ذهنی می‌شود».

بله این اقدام‌های من، سبب‌سازی است!! و من ذهنی‌ام را قویتر می‌کند.

کی تراشد تیغ دسته خویشت را
رو به جراحی سپار این ریش را
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت شماره ۳۲۲۲

همانطور که آقای شهبازی می‌فرماید: «ما فقط یک قدم داریم و آن، فضاگشایی است». پس این لحظه در اطراف اتفاق این لحظه، اولین قدم را که فضاگشایی است برمی‌دارم و همینطور ادامه می‌دهم، به اینصورت دست و پای من ذهنی می‌افتد. فضاگشایی تدبیر و ابزارهای من ذهنی را خنثی می‌کند، آنگاه او مانند گویی می‌شود که در برابر اتفاقات مقاومت نمی‌کند و با چوگان زندگی زده می‌شود.

پیش چوگانهای حکم کن فکان
می‌دویم اندر مکان و لامکان
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت شماره ۲۴۶۶

فقط یک قدم است و دیگر هیچ!! و آن خاصیت خودمان است، فضاگشایی. تلاش من ذهنی در کوچک کردن خودش این فضا را کوچک می‌کند و ما را به سبب‌سازی ذهن می‌اندازد و او با این تدبیر ما را در ذهن نگه می‌دارد!

با فضاگشایی من ذهنی و ابزارهای آن را از کار می‌اندازیم و به اینصورت او را کوچک و ضعیف می‌کنیم و جنس اصلی خود را گسترش می‌دهیم تا در این فضا من ذهنی و ابزارهایش محو شوند و ذهن ما ساده شود.

بی‌چون تو را بی‌چون کند، روی تو را گلگون کند
خار از کُفت بیرون کند، وانگه سوی گلزار شو
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۱۳۳

با تشکر، -نصرت از سندرچ